

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

الدِّينُ وَالتَّدِينُ (دین و دینداری)

یونس: ۱۰۵	حَنِيفًا	لِلدِّينِ	(... اَقِمْ وَجْهَكَ
	یکتاپرست	به دین	روی آور

با یکتاپرستی به دین روی آور.

اَلتَّادِيْنُ	فِطْرِيَّ	فِي	الْإِنْسَانِ	وَ	التَّارِيخُ	يَقُوْلُ	لَنَا:
دینداری	ذاتی	در	انسان	و	تاریخ	می‌گوید	به ما

دینداری در انسان ذاتی است و تاریخ به ما می‌گوید:

لا ^(۱)	شُعْبَ	مِنْ	شُعُوبَ	الأَرْضِ	إِلَّا	وَكَانَ لَهُ	دِيْنٌ	وَ	طَرِيقَةُ	لِلْعِبَادَةِ.
هیچ ... نیست	ملت	از	ملت‌ها	زمین	مگر	و داشت	دین	و	روش	برای عبادت

هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.

فَالْأَنَارُ	الْقَدِيْمَةُ	الَّتِي	اِكْتَشَفَهَا	الْإِنْسَانُ،
پس آثار	قدیمی	که، کسی که	کشف کرد آن را	انسان

پس آثار قدیمی‌ای که انسان آن‌ها را کشف کرد،

و	الْحَضَارَاتِ	الَّتِي	عَرَفَهَا	مِنْ	خِلَالِ	الْكِتَابَاتِ	و	النَّقُوشِ	و	الرُّسُومِ	و	الْتَّمَاثِيلِ،
و	تمدن‌ها	که، کسی که	شناخت آن را	از	میان	نوشته‌ها	و	نگاره‌ها	و	نقاشی‌ها	و	تندیس‌ها

و تمدن‌هایی که آن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخت،

تَوَكَّدُ	اهْتِمَامَ	الْإِنْسَانِ	بِالدِّينِ	وَ	تَدُلُّ ^(۲)	عَلَى	أَنَّهُ ^(۳)	فِطْرِيَّ	فِي	وُجُودِهِ؛
تأکید می‌کند	توجه	انسان	به دین	و	راهنمایی می‌کند	بر	که او	ذاتی	در	وجودش

توجه انسان به دین را تأکید می‌کند و دلالت می‌کند بر این‌که آن در وجودش ذاتی است؛

وَلَكِنْ ^(۴)	عِبَادَاتِهِ	وَ	شَعَائِرُهُ	كَانَتْ	خُرَافِيَّةً؛
ولی	عبادت‌هایش	و	مراسم‌هایش	بود	بیهوده (خرافی)

ولی عبادت‌هایش و مراسم‌هایش بیهوده (خرافی) بوده‌اند؛

مِثْلُ	تَعَدُّدِ	الْأَلِهَةِ	وَ	تَقْدِيْمِ	الْقَرَابِيْنِ	لَهَا	لِكَسْبِ	رِضَاها	وَ	تَجَنُّبِ	شَرِّهَا.
مانند	چندگانگی	خدایان	و	تقدیم	قربانی‌ها	برای او	برای به‌دست آوردن	خشنودی او	و	دوری کردن	بدی او

مانند چند خدایی (چندگانگی خدایان) و تقدیم قربانی‌ها برای آن‌ها به‌خاطر به‌دست آوردن خشنودی‌اش و دوری کردن از بدی‌اش.

وَ	ازْدَادَتْ	هَذِهِ	الْخُرَافَاتِ	فِي	أَدْيَانِ	النَّاسِ	عَلَى	مَرَّ	الْعُصُورِ.
و	افزایش یافت	این	افسانه‌ها (خرافات)	در	دین‌ها	مردم	در	گذر	زمان‌ها

و این افسانه‌ها (خرافات) در گذر زمان در دین‌های مردم افزایش یافت.

وَلَكِنْ ^(۵)	اللَّهِ	تَبَارَكَ ^(۶)	وَ	تَعَالَى ^(۷)	لَمْ يَتْرُكْ ^(۸)	النَّاسِ	عَلَى	هَذِهِ	الْحَالَةِ؛
ولی	خدا	برتر و مقدس شد	و	بلندمرتبه شد	رها نکرده است	مردم	بر	این	حالت

ولی خداوند مقدس و بلندمرتبه مردم را بر این حالت رها نکرده است؛

فَقَدْ قَالَ	فِي	كِتَابِهِ	الْكَرِيمِ:
پس گفته است	در	کتابش	کریم، پرمعنا، بخشنده

پس در کتاب (قرآن) کریم خود فرموده است:

أَ	يَخْسِبُ	الْإِنْسَانُ	أَنْ يَتْرُكَ	سُدًى ^(۹)	الْقِيَامَةِ: ۳۶
آیا	می‌پندارد	انسان	که رها شود	بیهوده و پوچ	

آیا انسان می‌پندارد که بیهوده و پوچ رها شود؟

۱. «لا» ی نفی جنس است.
 ۲. «تَدُلُّ» از ریشه «د ل ل» است.
 ۳، ۴ و ۵. «أَنَّ» و «لَكِنْ» از حروف مشبهة بالفعل هستند.
 ۶، ۷. «تَبَارَكَ» و «تَعَالَى» فعل هستند.
 ۸. «لَمْ يَتْرُكْ» به صورت ماضی ساده منفی و نیز ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود.

و	هنا	قالوا	حَرَوقه	و	انصروا	آیهتکم	الأنبياء: ۶۸
و	این جا	گفتند	بسوزانید او را	و	یاری کنید	خدایانتان	

و در این موقع «گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.»

فَقَذَفُوهُ	في	النار،	فَأَنْقَذَهُ	الله	منها.
پس انداختند او را	در	آتش	پس نجات داد او را	خدا	از آن

پس او را در آتش انداختند و خدا او را از آن نجات داد.

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (بر اساس متن درس، درست و نادرست را مشخص کن.) ✓ ✗

- ۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْكَاهِنَةِ كَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا. (هدف از تقدیم قربانی‌ها برای خدایان به دست آوردن خشنودی آن‌ها و دوری کردن از بدی‌شان بود.) ✓
- ۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ ٱلنَّاسَ عَلَى كَيْفِ أَضْعَفِ الْأَضْمَامِ. (ابراهیم ٱلنَّاسَ تبر را روی شانه کوچک‌ترین بت‌ها آویزان کرد.) ✗
- ۳- لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (برخی از ملت‌ها دینی یا روشی برای عبادت نداشتند.) ✗
- ۴- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ. (آثار قدیمی توجه انسان به دین را تأکید می‌کند.) ✓
- ۵- إِنَّ التَّدَيُّنَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. (همانا دینداری در انسان ذاتی است.) ✓
- ۶- لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى. (خدا انسان را بیهوده و پوچ رها نمی‌کند.) ✓

واژگان

آیه: خدایان، معبودها	الْحَنِيفُ: یکتاپرست	الضَّاع: کشمکش
أُخْصِرَ: آورد، حاضر کرد	حَرَّقَ: سوزاند	الطَّيْنِ: گِل
أَعَانَ: یاری کرد (مضارع: يُعِينُ / مصدر: إعانة)	حَمَى: پشتیبانی کرد، حمایت کرد (مضارع: يَحْمِي)	الْعَظْمِ: استخوان
أَعْتَى (فعل امر «أَعِنِ» + نون وقایه + ي): مرا یاری کن.	«إِخْمِنِي (فعل امر «إِخْمِ» + نون وقایه + ي): از من پشتیبانی کن»	الْعَصَبِ: پی
أَقِمَ وَجْهَكَ: روی بیاور	حَمَلَ: تحمل کرد (مضارع: يَحْمِلُ)	عَلَّقَ: آویخت
(ماضی: أَقَامَ / مضارع: يَقِيمُ)	الْحُرَافَةُ: سخن بیهوده و پاو، افسانه، موهوم‌پرستی	عَقَلَ: خردورزی کرد
اِكتَسَفَ: یافت، کشف کرد	الدَّاءِ: بیماری	الفِطْرِي: ذاتی، درونی، طبیعی
أَنْقَذَ: نجات داد	الدِّينِ الْحَنِيفِ: دین راستین	الْفَأْسِ: تبر
(مضارع: يُنْقِذُ / مصدر: إنقاذ)	سَعَى: تلاش کرد، شتافت (إِسْعَا) (امر): بشتابید	الْقُرْآنِ: خواندن
الْأَصْنَامِ: بت‌ها	سَوَى: به جز	الْقَرَابِينَ: قربانی‌ها
الْإِنْشِرَاحُ: شادمانی	السَّجْنِ: زندان	الْكَيْفِ، الْكِتَفِ: شانه
الْأَنْشُودَةُ: سرود	السَّلَامِ: آشتی، صلح	كَسَرَ: شکست
الْبَسْمَاتِ: لبخندها	السُّدَى: بیهوده و پوچ	لا ... لَه: ندارد
بَدَّوْا يَتَهَامِسُونَ: شروع به پیچ‌پچ کردند	السَّيْرَةُ: روش و کردار، سرگذشت	الْمُفْسَدَةُ: مایه تباهی
(ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ)	السَّعَائِرُ: مراسم	الْمُجِيبِ: برآورنده
التَّجَنَّبِ: دوری کردن		ما يَلِي: آن چه می‌آید
(ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: يَتَجَنَّبُ)		النُّقُوشِ: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها
الْخَطَأِ: بخت		

حَنِيفٌ = مُوَحِّدٌ یکتاپرست	تَدَلُّ = تَرْشِدُ راهنمایی می‌کند	اِكْتَسَبَ = حَصَلَ عَلَیْ = نَالَ به‌دست آورد	سُدًى = عَبَثًا پوچ و بیهوده	سِیرَة = سُلُوكٌ کردار، رفتار
اِكْتَشَفَ = وَجَدَ یافت	عِید = حَفَلَة جشن	اُنْقَذَ = اُنْجِی نجات داد	غَايَة = هَدَف هدف	سِوَى = غَیْر = اِلَّا به‌جز
رَأَى = شَاهَدَ دید	داء = مَرَضٌ بیماری	اُرْسَلَ = بَعَثَ فرستاد	طَرِيقٌ = سَبِيلٌ راه	شَرٌّ = سَوَاءٌ بدی
قَذَفَ = رَمَى انداخت، پرتاب کرد	اِهْتِمَامٌ = عِنايةٌ توجه	حَسِبَ = ظَنَّ گمان کرد، پنداشت	حَفَظَ = لَذَذَ = نَصِيبٌ بخت، بهره، کامیابی	أَعَانَ = سَاعَدَ یاری کرد، کمک کرد
فَرَحٌ = سُورُورٌ = بَهْجَةٌ = اِنْشِرَاحٌ شادمانی	أَنَارَ = أَضَاءَ روشن کرد	سَلَامٌ = صَلَحَ آشتی، صلح	إِزْدَادٌ = اِشْتَدَّ زیاد شد، افزایش یافت	حَدَّثَ = كَلَّمَ سخن گفت
حَزَقٌ = أَشْعَلَ سوزاند	عَافِيَةٌ = سَلَامَةٌ سلامتی			
حَنِيفٌ، مُوَحِّدٌ ≠ مُشْرِكٌ یکتاپرست ≠ چندگانه‌پرست	تَجَنَّبَ ≠ تَقَرَّبَ دوری کردن ≠ نزدیکی کردن	إِزْدَادٌ ≠ قَلَّ زیاد شد ≠ کم شد	صِرَاعٌ، نِزَاعٌ ≠ سِلْمٌ درگیری، کشمکش ≠ آشتی	حَزَقٌ ≠ أَطْفَأَ سوزاند ≠ خاموش کرد
أَخَذَ ≠ قَذَفَ، رَمَى گرفت ≠ انداخت	تَهَامَسَ ≠ صَرَخَ پچ پچ کرد ≠ فریاد زد	كَسَرَ ≠ وَصَلَ شکست ≠ وصل کرد	غَضِبَ ≠ هَدَأَ خشمگین شد ≠ آرام شد	رَجِمَ، غَفَرَ ≠ عَاقَبَ رحم کرد، آمرزد ≠ تنبیه کرد، کیفر داد
أَعْلَى ≠ أَرَحَصَ گران‌تر ≠ ارزان‌تر	خَفِيَ ≠ ظَاهِرٌ پنهان ≠ آشکار	تَارَكَ ≠ مَتَمَّائِلٌ رها کننده ≠ مایل	خُرَافَةٌ ≠ حَقِيقَةٌ افسانه، موهوم ≠ حقیقت	أَجَابَ ≠ سَأَلَ پاسخ داد ≠ پرسید
اِنتَسَمَ، صَحِكَ ≠ بَكَى لبخند زد، خندید ≠ گریه کرد	أَضْحَكَ ≠ أَبْكى خندانید ≠ گریانید	إِضَاءَةٌ، إِنْارَةٌ ≠ إِطْفَاءٌ روشن کردن ≠ خاموش کردن	خَيْرٌ ≠ شَرٌّ خوبی ≠ بدی	حَسِبَ ≠ اِطْمَئَنَّنَ پنداشت ≠ مطمئن شد
شُعُوبٌ ← شَغَبٌ ملت	آثَارٌ ← أَثَرٌ اثر	نُقُوشٌ ← نَقَشٌ کنده‌کاری، نگاره	رُسُومٌ ← رَسَمٌ نقاشی	تَمَائِيلٌ ← تِمثالٌ تندیس، مجسمه
شَعَائِرٌ ← شَعِيرَةٌ مراسم	آلِهَةٌ ← إِلَهٌ معبود	قَرَابِينٌ ← قُرْبَانٌ قربانی	أَدْيَانٌ ← دِینٌ دین	أَنْبِیَاءٌ ← نَبِیٌ پیامبر
أَقْوَامٌ ← قَوْمٌ قوم، گروه	أَصْنَامٌ ← صَنَمٌ بت	أَعْيَادٌ ← عِیدٌ عید، جشن	أَكْتَفَ ← كَتِفٌ شانه	أَحَادِثٌ ← حَدِیثٌ گفتار، حدیث
أَبْیَاتٌ ← بَیتٌ خانه، بیت شعری	عِظَامٌ ← عَظْمٌ استخوان	مَدَنٌ ← مَدِینَةٌ شهر	عِبَادٌ ← عَبْدٌ بنده	عِبَادٌ ← عَابِدٌ عبادتگر
أَنَاسِیدٌ ← أَنْشُودَةٌ سرود	حُظُوظٌ ← حَظٌّ بخت، بهره	فُؤُوسٌ ← قَاسٌ تبر	بِلَادٌ ← بَلَدٌ شهر، کشور	سُرُورٌ ← شَرٌّ بدی

قواعد

اعلموا (بدانید)

الحروف المشبهة بالفعل و لا التافئة للجنس (حروف مشبهة بالفعل و لا نفی جنس)

به حروف «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ» مشبهة بالفعل گویند.

این حروف دارای معانی دقیق و بسیار پرکاربرد هستند.

نکته: همه این حروف به جز «لَيْتَ» مشدد، یعنی دارای «ت» هستند و این راهی است که «أَنَّ و إِنَّ» را با «أَنْ و إِنْ» اشتباه نگیرید.

معانی حروف مشبهة بالفعل

● **إِنَّ:** به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان»؛ این حرف جمله پس از خود را تأکید می کند و معمولاً در ابتدای عبارت می آید.

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» التوبة: ۱۲۰ بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ: به درستی که خداوند پروردگار من و پروردگار شماست.

... لَكِنَّ ذَاكِرَةَ الْأَطْفَالِ غَرِيبَةٌ أَوْ قُلْ إِنَّ ذَاكِرَةَ الْإِنْسَانِ غَرِيبَةٌ... ولی حافظه کودکان عجیب است یا بگو (بهتر بگویم) بی شک حافظه انسان عجیب است.

● **أَنَّ:** به معنای «که» است؛ دو جمله را به هم پیوند می دهد و در وسط عبارت می آید.

«قَالَ أَعْلِمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» البقرة: ۲۵۹ گفت می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

قَدْ سَمِعَ أَحْمَدُ أَنَّ صَدِيقَهُ مَرِيضٌ: احمد شنیده است که دوستش بیمار است.

يَعْلَمُ الْأَطْفَالُ أَنَّ الْكِتَابَ نَافِعٌ: کودکان می دانند که کتاب سودمند است.

● معمولاً «لَأَنَّ» به معنای «زیرا، برای این که» است؛

مثال: لماذا ماسافرت بالطائرة؟ (چرا با هواپیما مسافرت نکردی؟) لَأَنَّ بِطَاقَةَ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً. (زیرا بلیط هواپیما گران است).

● **كَأَنَّ:** به معنای «گویى» و «مانند» است.

«كَاتَبَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» الزحمن: ۵۸ آنان مانند یاقوت و مرجان اند.

كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ: گویى خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

كَانَ الْأَصْدِقَاءُ يَضْحَكُونَ كَأَنَّهُ لَمْ يَخْذُلْ شَيْءٌ: دوستان می خندیدند گویى چیزی رُخ نداده است (هیچ اتفاقی نیفتاده است).

كَأَنَّ فَصْلَ هَجْرَةِ الطَّيُورِ قَدْ بَدَأَ: گویى فصل مهاجرت پرندگان آغاز شده است.

● **لَكِنَّ:** به معنای «ولی» است و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است.

«إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» البقرة: ۲۴۳

بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیش تر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»: خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی کند ولی مردم خودشان به خویشان ستم می کنند.

● **لَيْتَ:** به معنای «کاش» است؛ بیانگر آرزوست و به صورت «یا لیت» هم به کار می رود.

«وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيلاً» التبا: ۴۰ و کافر می گوید ای کاش من خاک بودم!

لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَدِّاً: کاش این خانه را خوب ساخته بودم.

● **لَعَلَّ:** به معنای «شاید» و «امید است»، می باشد.

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» الزخرف: ۳ بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

اجتهدت كثيراً لَعَلَّ وَالَّذِي يَقْرَحَانِ مِنْ نَجَاحِي: بسیار تلاش کردم، امید است که پدر و مادرم از پیروزی من خوشحال شوند.

نکات

۱ به تمام حروف مشبّهة بالفعل می‌تواند ضمیر، متصل شود.

مثال إني، أني، كأنه، لکنّا، لیّتی، لعلّکم و ...

۲ گاهی حرف «ما» به حروف «إن» و «أن» می‌چسبد، در این صورت این حروف دیگر به صورت «بی‌شک، ...» و «که» ترجمه نمی‌شوند، بلکه معنای «فقط» می‌دهند.

إنّما الطّالِبُ المُجِدُّ ناجِحٌ. فقط دانش‌آموز پرتلاش موفق است.

۳ نون وقایه به این حروف متصل می‌شود.

مثال إني، ولکنّی، لیّتی و ...

تمرین

□ ترجم الحروف المشبّهة بالفعل في العبارات التالية. (حروف مشبّهة بالفعل را در عبارات‌های زیر ترجمه کن.)

- ۱- لَعَلَّه يَكُونُ قَدْ اشْتَرَى الْكِتَابَ.
- ۲- لِيَتَنَّهُمْ يَكُونُونَ قَدْ عَلِمُوا.
- ۳- لَاحْظْتُ فَاطِمَةَ أَنَّ الظَّلَّابَ يُطَالِعُونَ.
- ۴- ظَنَّ الظَّلَّابُ أَنَّ الْأُسْتَاذَ لَا يَأْتِي.
- ۵- إِنَّ وَالِدِي رَأَى مَكَانَ السِّيَاحِ وَالْمَزْرَعَةِ بَيُوتًا وَشَوَارِعَ.
- ۶- أَنْتَ لَا تَحِبُّهُ كَأَنَّكَ تَكْرَهُهُ.
- ۷- لَيْتَ كُلَّ طَالِبٍ مُجِدِّ يَقْبَلُ فِي الْجَامِعَةِ.
- ۸- لَعَلَّ الْقَاضِيَّ يُبَيِّنُ الْحَقِيقَةَ.

پاسخ

- ۱- شاید (امید است)
- ۲- کاش
- ۳- که
- ۴- که
- ۵- همانا
- ۶- گویی
- ۷- کاش
- ۸- امید است

اخْتِيارُ نَفْسِكَ (۱) (خودت را بیازمائی.)

ترجم هاتین الایّتین الکریمتین. (این دو آیه کریمه را ترجمه کن.)

۱- ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلِكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الزّوم: ۵۶

پس این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ﴾ الْصَّف: ۴

قطعا خدا کسانی را که صف بسته در راه او پیکار می‌کنند دوست می‌دارد، گویی آن‌ها ساختمان‌های استوار هستند.

«لا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ

- جواب: به معنای «نه، خیر» ← در پاسخ به «هَلْ» و «أ» می‌آید. أ أَنْتَ مِنْ بَجْنُودٍ؟ لا، أَنَا مِنْ بَجْرَجَنْد.
- نفی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا يَذْهَبُ: نمی‌رود، لا تَأْكُلُ: نمی‌خوری، نمی‌خورد
- نفی فعل مضارع: بر سر فعل‌های مضارع می‌آید. لا تَذْهَبُ: نرو، لا يَذْهَبُ: نباید برود
- نفی جنس: بر سر اسم می‌آید. لا عِلْمَ لَنَا: هیچ علمی نداریم (برای ما نیست).

انواع «لا»

● در این درس با «لا»ی نفی جنس آشنا می‌شویم. این «لا» فقط بر سر اسم می‌آید. تفاوت آن با «لا»ی نفی و نهی نیز همین است، زیرا آن‌ها بر سر فعل می‌آیند. آن اسم به هیچ‌وجه «آل» و تنوین (ـِ) نمی‌گیرد.

﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ الْبَقَرَة: ۳۲ جز آن چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم. (برای ما نیست).

«لا فقر أشدّ من الجهل» رسول الله ﷺ هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

«لا كنز أغنى من القناعة» أمير المؤمنين عليه السلام هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.

تمارین کتاب درسی

• التمرین الأول: أی کلمة من کلمات معجم الدرس تناسب التوضیحات التالية؟ (کدام کلمه از کلمات لغت نامه درس مناسب توضیحات زیر است؟)

- ۱- آله ذات ید من الخشب و سین عریضة من الحديد یقطع بها:
ابزاری دارای دسته‌ای از چوب و دندانی پهن از [جنس] آهن که با آن بریده می‌شود.
القأس: تبر
- ۲- تمثال من حجر أو خشب أو حديد یعبد من دون الله:
تندیس از سنگ یا چوب یا آهن که به جای (جز) خدا پرستش می‌شود.
الصنم: بت
- ۳- عضو من أعضاء الجسم یقع علی الجذع:
عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع می‌شود.
الکتف: شانه
- ۴- التارک للباطل و المتمادی الی الذین الحق:
رهاکننده باطل و متمایل به دین حق است.
الحنیف: یکتاپرست
- ۵- إنهم بدؤوا یتکلمون بکلام خفی:
همانا آن‌ها شروع به سخن گفتن پنهانی کردند.
التهمؤس: بیچ بیچ کردن

• التمرین الثاني: ترجم العبارات التالية، ثم عین الحرف المشبه بالفعل، و لا النافیة للجنس. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن، سپس حرف مشبه بالفعل، و لای نفی جنس را مشخص کن.)

- ۱- «قيل اذخل الجنة قال لا یلت قومی یعلمون* بما غفر لی ربی و جعلنی من المکرمین» یس: ۲۶ و ۲۷
گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من بدانند. آن چه را پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامیان قرار داد. لیت: مشبه بالفعل
- ۲- «... لا تخزن إن الله معنا...» التوبة: ۴۰
... اندوهگین مباش، بی گمان خدا با ماست ...
«لا» همراه فعل: لای نهی
- ۳- «... لا إله إلا الله...» الأفاة: ۳۵
... هیچ معبودی جز خدا نیست ...
«لا» همراه اسم: لای نفی جنس
- ۴- لا دین لمن لا عهد له. رسول الله ﷺ
هیچ دینی ندارد کسی که هیچ پیمانی ندارد.
«لا» همراه اسم «دین، عهد»: لای نفی جنس
- ۵- إن من السنة أن یخرج الرجل مع ضیفه إلی باب الدار. رسول الله ﷺ
همانا از سنت است که مرد با مهمانش تا در منزل بیرون برود. (تا جلوی در مهمانش را همراهی کند).
«إن» مشبه بالفعل

• التمرین الثالث: الف. افرأ الشعر المنسوب إلی الإمام علی علیه السلام ثم عین ترجمة الکلمات التي تحتها خط. (شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان سپس ترجمه کلماتی که زیرشان خط است، مشخص کن.)

أَيُّهَا الْفَاجِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأَمٍّ وَ لِأَبٍ
هَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند.

آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

بلکه آنان را می‌بینی (می‌پنداری) از تکه گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی اند؟

افتخار، تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

ب. استخرج من الأبيات اسم الفاعل، و الفعل المجهول، و الجارّ و المجرور، و الصفة و الموصوف.

(از بیت‌ها اسم فاعل، و فعل مجهول و جار و مجرور، و صفت و موصوف را استخراج کن.)

اسم فاعل: الفاجر - ثابت / فعل مجهول: خَلِقُوا / جارّ و مجرور: بِالنَّسَبِ - لِأَمٍّ - لِأَبٍ - مِنْ فِضَّةٍ - مِنْ طِينَةٍ - لِعَقْلِ / صفت: ثَابِتٍ / موصوف: عَقْلٍ

۱. قيل: گفته شد (مجهول از فعل «قال» گفت.)

• التَّغْرِيبُ السَّابِعُ: ضَغ في الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه مناسب بگذار.)

- ۱- قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ عليه السلام: «..... أَحْسَنُ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.»
امام حسن عليه السلام فرمود: همانا بهترین نیکی اخلاق نیک است.
☐ أَنْ ☒ إِنَّ ☐ لَكِنَّ ☐
- ۲- سُئِلَ الْمُدِيرُ: أَفِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: «..... طَالِبٌ هُنَا.»
از مدیر پرسیده شد: آیا در مدرسه دانش آموزی هست؟ پس پاسخ داد: «هیچ دانش آموزی این جا نیست.»
☐ لِأَنَّ ☒ لَا ☐ فَإِنَّ ☐
- ۳- حَضَرَ الشُّبَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ الدَّلِيلُ لَمْ يَخْضُرْ.
گردشگر در سالن فرودگاه حاضر شد؛ ولی راهنما حاضر نشد.
☐ أَنْ ☒ لَكِنَّ ☐ لَعَلَّ ☐
- ۴- تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: «..... الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا!»
کشاورز آرزو کرد: «کاش باران، بیش تر ببارد!»
☐ كَأَنَّ ☐ لِأَنَّ ☐ كَيْتَ ☒
- ۵- لِمَاذَا يُبْكِي الطِّفْلُ؟ - جَانِعٌ.
چرا کودک گریه می کند؟ - زیرا او گرسنه است.
☐ أَنَّهُ ☒ لِأَنَّهُ ☐ كَيْتَ ☐

• التَّغْرِيبُ الثَّامِنُ: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ هَذَا النَّصِّ؛ ثُمَّ اكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. (ترجمه این متن را کامل کن؛ پس محل اعراب (نقش) کلماتی که زیر آن ها خط هست را بنویس.)

حِينَ يَزِي «الطَّائِرُ الذَّكِيُّ» حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِيهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ^۱، فَيَتَّبِعُ^۲ الْخَيَوَانَ الْمَفْتَرِسَ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَ يَنْتَعِدُ^۳ عَنِ الْعَشِ كَثِيرًا.
فاعل و مرفوع مفعول صفت مضاف إليه و مجرور فاعل و مرفوع صفت و مرفوع جار و مجرور

و عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ^۴ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ^۵ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ وَ إِنْقَاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ بَغْتَةً.

مجرور به حرف جر مضاف إليه و مجرور

پرنده باهوش هنگامی که جانور درنده ای را نزدیک لانه اش می بیند، روبه ریش وانمود می کند که بالش شکسته است، در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می کند و از لانه بسیار دور می شود و وقتی که این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی جوجه هایش مطمئن می شود، ناگهان پرواز می کند.

• أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ: بَظَوْهَشِ عِلْمِي

إِبْحَثْ عَنْ وَصِيَّةٍ أَحَدِ شُهَدَاءِ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ أَوْ ذِكْرِيَاتِهِ أَوْ أَقْوَالِهِ أَوْ أَعْمَالِهِ، ثُمَّ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ، أَوْ ضَعْهَا فِي مَدُونَتِكَ أَوْ مَدُونَةِ مَدْرَسَتِكَ. به دنبال وصیت یکی از شهدایان جنگ تحمیلی یا خاطراتش یا سخن ها یا کارهایش بگرد (جست و جو کن)، سپس آن ها را در روزنامه ای دیواری بنویس یا آن ها را در وبلاگت یا وبلاگ مدرسه ات بگذار.

سؤالات امتحانی درس

مهارت واژه شناسی

الف) تَرْجِمْ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ: (آن چه را زیرش خط است ترجمه کن.)

- ۱- «... أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا...» /
- ۲- عِبَادَتُهُ وَ شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.
- ۳- تَعَدَّدَ الْإِلَهَةُ وَ تَقْدِيمُ الْقَرَابِينِ ... /
- ۴- «أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» /
- ۵- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ. /
- ۶- حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. /
- ۷- حَمَلَ فَأَسَاءَ وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ ... /

۱. مَكْسُور: شکسته

۲. تَبِعَ: تعقیب کرد

۳. تَأَكَّدَ: مطمئن شد

۴. خِدَاع: فریب

۸- عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَنَفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. /

۹- الْقَوْمُ بَدَّوْا يَتَهَاْمَسُونَ.

۱۰- إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَانَا.

۱۱- «قَالُوا حَزَقُوهُ وَ انْصُرُوا آلِهَتَكُمْ»

۱۲- عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ ... /

۱۳- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ ... كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» /

۱۴- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

۱۵- لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مُفْسِدَةٌ.

ب عَيْنِ الْمُرَادَفِ وَ الْمُتَضَادِّ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مترادف و متضاد کلمات زیر را مشخص کن.)

۱۶-

سَلَّمَ	إِسْتَدَّ	وَحَدَّ	نَسِيَ	أَظْهَرَ	الْمَرَضَ
تَقَرَّبَ	ظَنَّ	بَعَثَ	إِذَا	جَدَّ	سَأَلَ
تَجَنَّبَ ≠	إِزْدَادَ =	دَكَرَ ≠	سَعَى =	الْدَاءَ =	أَجَابَ ≠
حَبِيبَ =	بَيَّنَّ =	لَمَّا =	جَمِيعَ ≠		
أَرْسَلَ =	صِرَاعَ ≠				

ج أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

۱۷- الْأَصْنَامُ	مفرد	أَلْكَتِفَ	جمع	الشَّعْبَ	جمع	الْفَأْسَ	جمع
الْقُرْبَانَ	جمع	النَّقُوشَ	مفرد	الْعِظَامَ	مفرد	التَّبَيَّ	جمع

مهارت ترجمه به فارسی

د تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (عبارت های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

۱۸- «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۱۹- «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ»

۲۰- لَمْ يَتْرِكْ اللَّهُ النَّاسَ؛ لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الَّذِينَ الْحَقَّ.

۲۱- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

۲۲- لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

۲۳- الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي أَكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ تَوَكَّدَ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالَّذِينَ.

۲۴- تَعَدَّدُ الْأَلِهَةُ وَ تَقْدِيمُ الْقُرَابِينَ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا تَدُلُّ عَلَى أَنَّهَا خُرَافِيَّةٌ.

۲۵- إِبْرَاهِيمُ حَمَلَ فَأْسًا وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

۲۶- لِنَذْكُرْ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.

۲۷- فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ كَانَ الْقَوْمُ يَخْرُجُونَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَبَقِيَ إِبْرَاهِيمُ وَحِيدًا.

۲۸- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

۲۹- لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ.

۳۰- لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ مَدَنِ بِلَادِي.

۳۱- النَّاسُ سَأَلُوهُ: «أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؟ أَجَابَهُمْ إِبْرَاهِيمُ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

۳۲- بَدَأَ الْقَوْمَ يَتَهَامَسُونَ «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا»

۳۳- إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعِظْلٍ ثَابِتٍ / وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

۳۴- «وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»

۳۵- «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

۳۶- «أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»

۳۷- إِنَّ الدِّينَ فَطَرَنِي فِي وَجُودِ الْإِنْسَانِ وَلَكِنَّ بَعْضَ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرِهِ كَانَتْ خُرَافِيَّةً.

۳۸- از داداتِ خرافاتِ فی آدیانِ الناسِ علی مَرِّ الْعُصُورِ وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَتْرُكْ النَّاسَ عَلَى عِبَادَةِ الْإِلَهِةِ.

۳۹- «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى»

۴۰- يُعَلِّقُ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ وَ يَتْرُكُ الْمَعْبَدَ.

۴۱- لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً وَ طَلَّتُوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ، فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ.

۴۲- قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انْصُرُوا آلِهَتَكُمْ وَ النَّاسُ قَذَفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

۴۳- أَعْلَقَ إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ!

۴۴- «كَانَتْ هُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ»

۴۵- «لَا عَلِمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا»

۴۶- «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

۴۷- أَيُّهَا الْفَاجِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ / إِنَّمَا النَّاسُ لِأَمٍّ وَ لِأَبٍ

۴۸- إِنَّ مِنْ السَّنَةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.

۴۹- لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ.

۵۰- لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

۵۱- حِينَ يَرَى الطَّائِرُ الذَّكِّيَّ حَيَوَانًا مُفْتَرَسًا يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ.

هـ عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ: (ترجمه درست را مشخص کن.)

۵۲- «وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا»

- (۱) و کافر می‌گوید امید است که من چون خاک باشم. ☐ (۲) و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم. ☐

۵۳- «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

- (۱) بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید. ☐

- (۲) بی‌شک ما قرآن را به عربی نازل کردیم شاید شما بیندیشید. ☐

۵۴- «فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنَّا كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

- (۱) چه بسا که امروز روز برانگیختن است ولی شما نمی‌دانید. ☐ (۲) پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید. ☐

۵۵- لَا حَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ.

- (۱) خیر و خوبی تنها با کار کردن نیست بلکه به گفتار است. ☐ (۲) هیچ خوبی در سخنی جز با کار کردن نیست. ☐

۵۶- عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ يَطِيرُ بَعْتَةً.

- (۱) هنگامی که پرنده از فریب دشمن مطمئن شد، ناگهان پرواز کرد. ☐

- (۲) وقتی که پرنده از فریب دشمن مطمئن می‌شود، ناگهان پرواز می‌کند. ☐

۵۷- «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»

- (۱) گفته شد به بهشت داخل شو، گفت ای کاش قوم من می‌دانستند آن چه که پروردگارم برایم آمرزید و مرا از گرامی داشتگان قرار داد. ☐

- (۲) گفته شد داخل بهشت شو، گفت، ای کاش قوم من می‌دانستند آن چه را که پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی داشته شدگان قرار داد. ☐

و كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ: (جاهای خالی را در ترجمه کامل کن.)

- ۵۸- كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ.
هر غذایی که نام خدا بر آن ، ... هیچ برکتی در آن
- ۵۹- كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُذْرَكُ.
..... خشنود ساختن همه مردم
- ۶۰- لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.
..... فقری و میراثی
- ۶۱- يَتَّبِعُ الْحَيَوَانُ الْمَفْتَرَسُ الْفَرِيسَةَ وَ يَتَّبِعِدُ عَنِ الْعَشِّ كَثِيرًا.
جانور شکار را و از لانه
- ۶۲- «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ...»
و که به غیر خدا را دشنام ندهید زیرا که به خدا
- ۶۳- بَلْ تَرَاهُمْ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ / هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ
بلکه که از آفریده شدند/ آیا گوشت و و اند.

ز تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: (فعل های زیر را ترجمه کن.)

- | | | | |
|---------------------|--------------------------|----------------------|------------------------|
| ۱- أَضْحَكَ: | أَضْحَكِي: | لَمْ تُضْحِكْ: | لَا تُضْحِكُن: |
| ۲- عَلَّمَا: | سَوْفَ أُعَلِّمُ: | لِيُعَلِّمُوا: | أَنْ تُعَلِّمِي: |
| ۳- تَهَامَسُوا: | يَتَهَامَسُونَ: | تَهَامَسِي: | سَأَتَهَامَسُ: |
| ۴- لَيَتَجَنَّبُوا: | لِكِي تَتَجَنَّبُ: | لَيَتَجَنَّبُ: | لَا يَتَجَنَّبُ: |

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

ح عَيْنُ نَوْعِ «لَا»: (نوع «لا» را مشخص کن.)

- ۶۵- ۱- لَا تَقْرُبْ، هُنَا يَنْزُ.
۲- أ أَنْتَ طَهْرَانِي؟ لَا، أَنَا إِصْفَهَانِي.
۳- لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ.
۴- أَيُّهَا الطَّالِبُ لِمَاذَا لَا تَقْرَأُ الدَّرُوسَ؟

ط عَيْنُ مَا ظَلَبَ مِنْكَ: (آن چه از تو خواسته شده را مشخص کن.)

- ۶۶- «... لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (اسم الفاعل:)
۶۷- «... أَيْخَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُدًى» (الفعل المعلوم:)
۶۸- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ النَّاسُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ. (اسم التَّفْضِيل:)
۶۹- هُوَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. (اسم المكان:)

ي عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْنِيَّةِ: (نقش کلمات مشخص شده را مشخص کن.)

- ۷۰- التَّدْيُنُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. /
۷۱- إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. /
۷۲- أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. /
۷۳- تَكَلَّمُوا بِكَلَامٍ خَفِيِّ. /
۷۴- خَذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ. /
۷۵- لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. /

ک عین الحروف المشبهة بالفعل ولا النافية للجنس: (حروف مشبهة بالفعل ولاى نفى جنس را مشخص کن.)

۷۶- ﴿وَلَا يَخْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

۷۷- لَا تَغْضَبْ فَإِنَّ الْغَضَبَ مُفْسِدٌ.

۷۸- لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ وَلَا تَبْدَأُ أَيْ عَمَلٍ دُونَ التَّأَمُّلِ.

۷۹- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

ل ترجم الكلمات التالية: (کلمات زیر را ترجمه کن.)

۸۰- ۱- تَجَنَّبَ: ۲- مَكْسَرَةٌ: ۳- اِسْتِهْزَاءٌ:

۴- أَشَدُّ: ۵- سَاتِرٌ: ۶- اِلْتِقَاعٌ:

۷- تَعْلِيمٌ: ۸- مُعَلَّمٌ: ۹- تَوَابٌ:

م اَكْتُبِ الحروف المشبهة بالفعل المناسبة حسب العبارة ثم ترجمها: (حروف مشبهة بالفعل مناسب را براساس عبارت بنویس سپس آن ها را ترجمه کن.)

لَعَلَّ - كَأَنَّ - لَكِنَّ - أَنَّ - لَيْتَ - لِأَنَّهُ - إِنَّ

۸۱- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا كَمْ تَعْقِلُونَ﴾ ۸۴- « أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ »

۸۲- ظَنُّوا إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ. ۸۵- ﴿..... هُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ﴾

۸۳- تَمَنَّى الْمَزَارِعُ: « الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا » ۸۶- لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ - جَانِعٌ.

مهارت درک و فهم

ن ضَعِ الكلمة المناسبة للفراغ حسب التوضيحات: (کلمه مناسب را براساس توضیحات در جای خالی بگذار.)

۸۷- يُقَدِّمُهَا النَّاسُ فِي الْأَعْيَادِ لِكِسْبِ رِضَا اللَّهِ. ۹۰- هُوَ الَّذِي لَا يَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ.

۸۸- هُوَ فَطَرَنِي فِي الْإِنْسَانِ. ۹۱- آلهٌ لِقَطْعِ الْأَشْجَارِ.

۸۹- يَتَكَلَّمُ بَعْضٌ فِي أذُنِ بَعْضٍ آخَرَ بِصَوْتٍ خَفِيِّ.

س عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ: (درست و اشتباه را براساس حقیقت مشخص کن.)

۹۲- لِكُلِّ شَعْبٍ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. ۹۴- الصَّرَاغُ هُوَ السَّلَامُ بَيْنَ الشَّعْبَيْنِ.

۹۳- الْمَعْبُدُ مَكَانٌ كَانُوا يَعْبُدُونَ هُنَاكَ الْأَصْنَامَ. ۹۵- يَوْمُ الْبَتِّ هُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.

ع أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ: (به سؤالات پاسخ بده.)

۹۶- مَنْ هُوَ تَعَبَّدَ (تَعَبَّدِينَ)؟

۹۷- هَلْ تَطُنُّ (تَطُنَّيْنِ) أَنَّ التَّدِينُ فَطَرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ؟

۹۸- أَ أَنْتَ (أَنْتِ) مِنْ مَشْهَدٍ؟

۹۹- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ (أَنْتِ)؟

ف اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (متن را بخوان سپس به سؤالات پاسخ بده.)

* إِذَا نَظَرُ فِي التَّارِيخِ نَظَرْنَا أَشْخَاصًا جَاهِدُوا أَنْ يُنْقِذُوا النَّاسَ مِنَ الْخُرَافَاتِ. لِنَذْكُرْ مِثْلًا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُبْعِدَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. هُوَ عَزَمَ عَلَى أَنْ يَكْسِرَ الْأَصْنَامَ عِنْدَمَا يَخْرُجُ النَّاسُ مِنَ الْمَدِينَةِ. فَحَمَلَ فَاسًا وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَاسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. فَهَمَّ النَّاسُ أَنْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ فَأَحْضَرُوهُ لِلْمَحَاكِمَةِ. قَالَ إِبْرَاهِيمُ: إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ مَنْ فَعَلَ هَذَا؟ كَانَ الْقَوْمُ يَغْلَمُونَ أَنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ وَ إِبْرَاهِيمَ يَقْصِدُ أَنْ يَسْتَهْزِئَ بِأَصْنَامِهِمْ لِذَلِكَ قَذَفُوهُ فِي النَّارِ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَنْقَذَهُ مِنْهَا.

۱۰۰- مَنْ عَزَمَ أَنْ يَكْسِرَ الْأَصْنَامَ؟

۱۰۱- مَتَى كَسَرَ إِبْرَاهِيمَ الْأَصْنَامَ فِي الْمَعْبَدِ؟

۱۰۲- مَاذَا فَعَلَ الْقَوْمُ بَعْدَ أَنْ فَهِمُوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ؟

۱۰۳- لِمَاذَا قَالَ الْقَوْمُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ يَقْصِدُ اِسْتِهْزَاءَ أَصْنَامِهِمْ؟

* التَّدْيُنُ فطريٌّ في وجود الإنسان و لا شعب مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. إِذَا نَبَحْتُ عَنِ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ وَ الْحَضَارَاتِ نَعْرِفُ مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ أَنَّ الْإِنْسَانَ كَانَ يَهْتَمُّ بِالذِّينِ وَ هَذَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فطريٌّ فِيهِ وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً. بَعْضُهُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ عِدَّةً مِنَ الْأَلْهَةِ وَ يَقَدِّمُونَ الْقَرَابِينَ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاها وَ تَجَنُّبِ شَرِّها.

۱۰۴- كَيْفَ نَعْرِفُ أَنَّ الذِّينَ فطريٌّ فِي الْإِنْسَانِ؟

- (۱) إِذَا نَبَحْتُ عَنِ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ وَ الْحَضَارَاتِ. ☐
- (۲) مِنْ إِهْتِمَامِ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ النَّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ. ☐
- (۳) لِأَنَّ التَّدْيُنَ فطريٌّ فِي وجود الْإِنْسَانِ. ☐
- (۴) لِأَنَّ شَعَائِرَ الْإِنْسَانِ كَانَتْ خُرَافِيَّةً. ☐

۱۰۵- إِهْتِمَامُ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ يَدُلُّ عَلَى

- (۱) أَنَّ الذِّينَ فطريٌّ فِيهِ. ☐
- (۲) أَنَّهُ كَانَ خُرَافِيَّةً. ☐
- (۳) عِبَادَةُ عِدَّةِ الْأَلْهَةِ. ☐
- (۴) أَنَّهُ يَقَدِّمُ الْقَرَابِينَ. ☐

۱۰۶- لِمَاذَا كَانَ يَقَدِّمُ بَعْضُ مِنَ الشُّعُوبِ الْقَرَابِينَ؟

- (۱) لِلْأَكْلِ ☐
- (۲) لِكَسْبِ رِضَا الْإِلَهِةِ وَ تَجَنُّبِ شَرِّها ☐
- (۳) لِإِثْبَاتِ عُبودِيَّتِهِمْ ☐
- (۴) لِكَسْبِ رِضَا اللَّهِ ☐

۱۰۷- عِبَادَاتُ وَ شَعَائِرُ الْإِنْسَانِ فِي الْقَدِيمِ كَانَتْ

- (۱) حَقِيقِيَّةً ☐
- (۲) فطريَّةً ☐
- (۳) قَدِيمِيَّةً ☐
- (۴) خُرَافِيَّةً ☐

پاسخ سوالات امتحانی درس

۱. روى آور - يكتاپرست
۲. مراسم
۳. خدايان - قربانى‌ها
۴. بيهوده و بوج
۵. با ما سخن گفته است - روش و کردار، سرگذشت - کشمکش، نزاع
۶. که نجات دهد - بت‌ها
۷. تبر - شکاند
۸. آويخت، آويزان کرد - شانه
۹. شروع به پيچ کردن
۱۰. مسخره کردن، ريشخند کردن
۱۱. بسوزانيد
۱۲. نوشته‌ها - کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها
۱۳. ساختمان - استوار
۱۴. زندان
۱۵. مایه تباهی
۱۶. تَجَنَّبُ ☐ تَقَرَّبُ ☐ حَسِبَ ☐ ظَنَّ ☐
- (دوری کردن) ☐ (نزدیکی کردن) ☐ (پنداشت)
- أَرْسَلَ ☐ بَعَثَ ☐ إِزْدَادَ ☐ إِشْتَدَّ ☐
- (فرستاد) ☐ (زیاد شد)
- بَيَّنَّ ☐ أَظْهَرَ ☐ صَرَعَ ☐ سَلَّمَ ☐
- (آشکار کرد) ☐ (کشمکش) ☐ (آشتی)
- ذَكَرَ ☐ نَسِيَ ☐ لَمَّا ☐ إِذَا ☐
- (یاد کرد) ☐ (فراموش کرد) ☐ (هنگامی که)
- جَمِيعٌ ☐ وَحْدَةً ☐
- (همه) ☐ (تنها)
- الدَّاءُ ☐ الْمَرَضُ ☐
- (بیماری)
- أَجَابَ ☐ سَأَلَ ☐
- (پاسخ داد) ☐ (سؤال کرد)
۱۷. الأصنام ← الصَّئِمُ الكَيْفَ ← الأكتاف
- الشَّعْبُ ← الشعوب أَلْفَاسُ ← القووس
- القُرْبَان ← القرابين النقوش ← النقش
- العظام ← العظم النبي ← الأنبياء
۱۸. گفت می‌دانم که خداوند به هر چیزی تواناست.
۱۹. بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیش‌تر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.
۲۰. خدا مردم را رها نکرد؛ به خاطر آن برایشان پیامبران را فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.
۲۱. قرآن کریم از سرگذشت پیامبران و کشمکش آنان با قوم‌های کافرشان با ما سخن گفته است.
۲۲. هیچ ملّتی از ملّت‌های زمین نیست مگر این‌که دینی و روشی برای عبادت داشته باشد.
۲۳. آثار قدیمی‌ای که انسان آن‌ها را کشف کرد و تمدن‌هایی که انسان آن‌ها را از میان نوشته‌ها و نگاره‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخت توجّه انسان به دین را تأکید می‌کنند.

آزمون درس اول

ردیف	سؤالات
۱	الف: مهارت واژه‌شناسی تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَقًّا. ۱- القَوْمُ يَدَّوُّوا يَنْتَهَامُسُونَ. ۲- اجْعَلِ التَّوْفِيقَ حَقِّي.
۲	اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْمُرَادَفَ وَ الْمَتَضَادَّ. أَخْضَرَ - الصَّرَاع - أَخْفَى - أَسْلَمَ - أَتَى بِ- ۱- = ۲- ≠
۳	اَكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. ۱- الْأُنَاشِيدُ (المفرد): ۲- الْحَقْظُ (جمع):
۴	ب: مهارت ترجمه به فارسی تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. ۱- إِنْ مِنَ السَّنَةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. ۲- لَيْتُنَا نَشَاهِدُ جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِنَا إِيْرَانِ لَعَلَّنَا نَتَفَكَّرَ فِي جَمَالِهَا. ۳- يَحْمِي اللَّهُ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ وَ يَمَلَأُ الدُّنْيَا سَلَامًا يَشْمَلُ كُلَّ الْجِهَاتِ. ۴- الْقَوْمُ أَخْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انْصُرُوا آلِهَتَكُمْ! ۵- أَنْتَ تَرَى الْإِنْسَانَ مِنْ طِينَةٍ، هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ؟ ۶- الْفَخْرُ لِمَنْ لَهُ عَقْلٌ ثَابِتٌ وَ حَيَاءٌ وَ عِفَافٌ وَ أَدَبٌ. ۷- لَعَلَّ أَسْرَتِي يَسَافِرُونَ وَ لَيْتَ وَالَّذِي كَانَ مَعَنَا. ۸- لَيْتَ الطُّلَابَ الْمُشَاغِبِينَ ابْتَعَدُوا عَنْ هَذِهِ الْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ ۹- ﴿... قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَلَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ ۱۰- ﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ ...﴾
۵	إِتَّخِذِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱- ﴿... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ...﴾ الف) جز آن‌چه به ما آموخته‌ای، دانشی برای ما نیست. ☐ ب) جز آن‌چه به ما می‌آموزی هیچ دانشی نداریم. ☐ ۲- ﴿... أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ الف) با دینداری به دین پناه ببر. ☐ ب) با یکتاپرستی به دین روی آور. ☐
۶	كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ. ۱- ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم شما ۲- لَيْتَ صَدِيقِي ابْتَعَدَ عَنِ الْكِذْبِ. دوستم از دروغ
۷	صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي التَّرْجَمَةِ. «لَعَلَّ الْكَافِرَ يَرْجِعُ مِنْ كُفْرِهِ» کاش کافر از کفرش برمی‌گشت.
۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ. ۱- الْفَقَارُ: ۲- كُنْتُمْ قَدْ تَكَلَّمْتُمْ: ۳- التَّحْمِيلُ: ۴- الصَّائِعُ: ۵- الْحَمَالُ: ۶- سَوْفَ يُعْلَمُنَا: ۷- لَا يَشْكُرُونَ: ۸- لِيُقَاتِلُوا: